

The Typology of the Innovations of Contemporary Exegesis (Case Study: Surah Al-Jumu'ah)

Ramesh Hallajian Esfahani*, **Mahdi Mehrizi****

Seyed Mohamad Ali Ayazi***

Abstract

The innovation in Quran Exegesis is considered diachronically & synchronically. This paper covers the types of innovation in literary, exegetists' methods & orientation in descriptive-analytical technique (method). To careful study, Surah Al-Jumu'ah is analyzed in contemporary Sunni & Shia exegeses. Ingenious rhetorical points & rational analysis of verses style (method/word order) is from literary types of innovation in Quran exegeses. Quran contemporary exegetists have come up with innovation in systematic diction & resolving semantic contradiction of vocabularies. Quran to Quran exegesis, intellectual method, analogy of verses & surahs & contextual method are modern method in new age of exegesis. Social orientation and its offshoot is from new exegesis orientation. Content development, diversity of referents (instances), modern classification, modern reasoning, resolving contradictions in the foundations of thought and rejecting doubts are objective innovation in contemporary exegesis of Quran. The

* Ph.D. student, Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran, hallagian1347@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran (Corresponding Author), m-mehrizi@srbiau.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Research Sciences Unit, Tehran, Iran, ayazi1333@gmail.com

Date received: 2022/10/08, Date of acceptance: 2023/02/09



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

findings revealed that contemporary exegeses is more innovative in terms of quality and quantity than previous one.

Keywords: Typology, Innovation, Surah Al-Jumu'ah, Contemporary Exegesis.



گونه‌شناسی نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر (مطالعه موردی سوره جمعه)

رامش حلاجیان اصفهانی*

مهدی مهریزی طرقي**، سید محمدعلی ایازی***

چکیده

تفاسیر قرآن در مقایسه‌ی هم‌زمانی و در زمانی تفاسیر دیگر نوآوری داشته‌اند. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی، در سه بخش ادبیات، مناهج و روش‌ها و اتجاهاات و گرایش‌های غالب مفسران به معرفی گونه‌های نوآوری تفاسیر می‌پردازد. به منظور مطالعه‌ی دقیق‌تر، مختصات این نوشتار، تفاسیر مذهب شیعه و اهل تسنن در دوره معاصر، با تمرکز بر تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی جمعه تعیین شده است. بررسی‌ها حاکی از آن است که طرح نکات بلاغی بدیع و بررسی سیاقی با پشتوانه عقلی از گونه‌های ادبی نوآوری‌های تفاسیر در این دوره است. در باب مفردات، نقدی معنانشناسانه از واژه‌ها، قاعده‌مند کردن علم مفردات و رفع تعارض معنایی مفردات از گونه‌های نو در روش مفسران این دوره است. از دیگر روش‌های نوین عصر معاصر می‌توان از روش قرآن به قرآن، روش عقلی، روش استیحایی و روش تدبیری نام برد. گرایش اجتماعی و زیر شاخه‌های آن، از گرایش‌های نوین دوره معاصر است. توسعه محتوایی، توسعه مصداقی، طبقه‌بندی نو، استدلال جدید، نقد و تحلیل مبتکرانه، حل تناقضات

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

hallajian1347@gmail.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول)، m-mehrizi@srbiau.ac.ir

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

ayazi1333@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰



در مبانی اندیشه و دفع شبهات از نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر است و نوآوری در تفاسیر این دوره از تنوع و فراوانی بیشتری نسبت به ادوار پیشین برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: گونه‌شناسی، نوآوری، سوره جمعه، تفاسیر معاصر

۱. مقدمه و طرح مسئله

مطالعه و بررسی تفاسیر حاکی از انباشت حجم زیادی از مطالب تکراری در تفاسیر قرآن کریم موجب ناکارآمدی تفاسیر در فهم مخاطب شده است. از سوی دیگر تاریخ تفسیر حاکی از آن است که هر زمان عرصه آزاداندیشی و تضارب آرا برای مسلمانان فراهم بوده، نوآوری‌هایی در تفسیر قرآن رخ داده است که موجب رشد فزاینده مسلمانان بوده است. غالب مفسران دوره معاصر با پرهیز از تکرار، به نوآوری‌های فراوانی نسبت به تفاسیر پیشین دست یافته‌اند. این نوآوری‌ها تحت تأثیر عوامل درونی از جمله: پیش‌زمینه‌های معرفتی و غیرمعرفتی و عوامل بیرونی از جمله: افزایش ارتباط تمدن‌ها و ادیان و پیشرفت تکنولوژی، پیشرفت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تمدنی، تحول در ادبیات، علوم و فلسفه، پیشرفت علوم دینی قرار دارد.

همان‌طور که فقیه اجازه دارد، با توجه به مقتضیات زمان فتوا دهد، مفسر نیز می‌تواند تفسیر و فهم به روز و کارآمدتری از قرآن ارائه دهد، و نوآوری کند. (بنگرید: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۳۹۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۹۷)

با وجود تنوع آراء مفسران معاصر و با توجه به نو ظهور بودن موضوع نوآوری در تفاسیر، این نوشتار برآن است تا به معرفی گونه‌های نوآوری برخی از تفاسیر مهم دوره معاصر با مطالعه موردی سوره جمعه بپردازد.

در انتخاب تفاسیر سعی شد از میان شاخص‌ترین و مهمترین تفاسیر شیعی و سنی، مواردی برگزیده شود که مفسر در روش، گرایش، محتوا، ساختار یا جنبه‌ای دیگر نسبت به سایر مفسران متفاوت عمل کرده باشد و با تبعیت از سنت تفسیری، نوآوری‌هایی را به عالم تفسیر عرضه نموده باشد. برخی از تفاسیر نیز به دلیل عدم اشمال بر سوره جمعه انتخاب نشد.

تفاسیر منتخب، به انضمام سبک مفسر عبارتند از:

نام تفاسیر	سبک تفسیر	تاریخ
۱ التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج	فقهی - تحلیلی	۱۳۵۱ ق
۲ التحریر و التنویر	تحلیلی - ادبی	۱۳۹۱ ق
۳ الکاشف	تحلیلی - تقریبی	۱۴۰۰ ق
۴ المیزان فی تفسیر القرآن	عقلی - کلامی	۱۴۰۲ ق
۵ من وحی القرآن	اجتماعی - تربیتی	۱۴۳۱ ق
۶ من هدی القرآن	اجتماعی - تربیتی	۱۵ ق
۷ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه	اجتهادی	۱۵ ق

مهم‌ترین منابعی که به عنوان پیشینه پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، عبارتند از: «سیر تطور تفاسیر شیعه» و «شناخت‌نامه تفاسیر»، اثر سید محمدعلی ایازی (۱۳۸۵ش)، مقاله «تفسیر»، احمد پاکتچی (۱۳۷۳ش) که به صورت غیر مستقیم به جنبه‌هایی از نوآوری تفاسیر اشاره نموده‌اند. «برخی نوآوری‌های ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر»، اثر شفیع و «نوآوری‌های علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، سعد غنامی که الهامبخش برخی از جنبه‌های نوآوری در تفاسیر این دوره است.

۲. مفهوم‌شناسی نوآوری

پژوهش درباره مفهوم واژه: «نوآوری» امری ضروری می‌نماید، چراکه نسبی بودن مفهوم این واژه دایره معنایی این واژه را نامشخص کرده و پژوهش در این زمینه را دشوارتر می‌سازد. نوآوری در زبان عربی معاصر، معادل کلمه «التجدید» و ابتکار، ابداع، اختراع، بدعت (آفریدن و آغازکردن و ساختن چیزی بدون الگوی قبلی) است. (ابن منظور، ۱۹۹۷م، ص ۱۷۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ غفرانسی، ۱۳۷۱، ص ۵۹۱؛ طیبیان، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۶۲) و یکی از معادل‌های آن در زبان انگلیسی: «innovation» است. (حق‌شناس و دیگر نویسندگان، ۱۳۸۷، ص ۸۲۸) و در اصطلاح به خلاقیت تحقق یافته شده و به مرحله عمل رسیده اطلاق می‌شود. (محمدی، ۱۳۸۷، صفحات ۲۸-۳۵)

نوآوری در تفسیر قرآن به معنای تغییردادن دین نیست، بلکه فهم و تبیین بطون و لایه‌های جدید و تطبیق موضوعات تغییر پذیر دین با مسائل و نیازهای جدید در افق زندگی پیشرفته امروزی است.

نوآوری در تفسیر قرآن با بدعت متفاوت است، چرا که در بدعت فرد از جانب خود گزاره دینی ابداع می‌کند. همچنین نوآوری با تفسیر به رای نیز سه تفاوت عمده دارد. از جمله این‌که: نوآوری برآمده از علم و آگاهی است، (نصیری، ۱۳۷۷ش، صص ۷۵-۹۸)، پافشاری مفسر بر به‌کارگیری منابع تفسیری است. (همو)، و در نوآوری توجه مفسر به قرائن، مویدات، استشادات و اشعار است، در حالی که در تفسیر به رای گاه مفسر بدون علم و آگاهی و مراجعه به منابع تفسیری، توأم با پیش‌داوری و از روی احساس تفسیری ارائه می‌دهد. (درس‌هایی از مکتب اسلام، ۱۳۵۱، صص ۵۲-۵۷)

بنابر این نوآوری و تحول در عرصه تفسیر قرآن را می‌توان نگاهی دوباره و جدید به آیات با توجه به ساختار، مبانی و روش‌های نو از قرآن دانست. بدیهی است در این بازنگری روش‌های جدیدی ابداع خواهد شد و یا فهم‌های جدیدی به دست خواهد آمد. باز بودن راه نقد و انتقاد نیز یکی از زمینه‌های رشد نوآوری خواهد بود. نوآوری چه از منظر برون دینی و محققان غربی و غیر مسلمان صورت گیرد؛ و چه از منظر درون دینی باورمندانه به شکل بازخوانی یا باز اندیشی باشد، چنانچه فصل تمایز با بدعت و تفسیر به رای را رعایت کند؛ امری مطلوب و پسندیده است.

باید دانست هرآنچه نوآوری است، معتبر و سودبخش نیست، چرا که ممکن است نتیجه‌ای مخرب در روند رشد علوم اسلامی داشته باشد.

از آنجایی که در این نوشتار از تفاسیری بهره می‌جوییم که پایبند به سنت تفسیری^۱ باشند، نوآوری‌ها از منظر درون دینی در دست بررسی قرار گرفته و منظور از نوآوری تفسیری به‌طور عام، نوآوری در قبال تکرار است و به هیچ روی منظور تولید یا فرآورده‌ای صد در صد نو نیست، بلکه این مفهوم کاملاً نسبی است. نکات نوآورانه مفسرین اعم از طرح مطالبی که مسبوق به سابقه در تفاسیر پیشین نبوده، مصداقی نو، طبقه‌بندی نو، استدلال یا استنباطی نو، ارائه نقدی جدید و حل تناقضات در مبانی اندیشه و دفع شبهات است که این تعریف منطبق بر تعاریف نوآوری در منابع متعدد است. (رک: حماد جوهری، ج ۳، ص ۹۸۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ خلیون، شماره ۸ و ۹، ۱۳۸۹ش؛ محمدی، ۱۳۸۷ش، صص ۲۸-۳۵)

«سوره جمعه»، دارای یازده آیه و از سور مسبحات، شصت و دومین سوره بر حسب ترتیب مصحف و صد و دهمین سوره در ترتیب نزول است که پس از سوره صف و پیش از سوره تغابن نازل شده است. (زرنگار، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۷۱۰)

گونه‌شناسی نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر ... (رامش حلاجیان اصفهانی و دیگران) ۵۱

از آن جهت که سوره جمعه علاوه بر طرح مباحث زیربنایی و اصول دین، مشتمل بر مضامین عالی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، در طول تاریخ تفسیر مورد اقبال مفسرین و قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. این نوشتار با مورد مطالعه قرار دادن این سوره، به شکل موردی، به معرفی نوآوری‌های تفسیری آن می‌پردازد. در این نوشتار بدون تفکیک تفاسیر شیعه و سنی، به بررسی نوآوری تفاسیر می‌پردازیم.

۳. گونه‌شناسی نوآوری تفاسیر دوره معاصر

بنابر آن چه در تعریف شاخص نوآوری ذکر شد، هر مفسر، ممکن است در جنبه‌ای از تفسیرش نوآور باشد که برخی از گونه‌های آن در زیر ذکر می‌شود:

۱.۳ نوآوری در طرح نکات ادبی

هرگاه با ترکیبی از عناصر زبانی بتوان ارزش افزوده‌ای بیش از ارزش واژگانی و دستوری ایجاد کرد، با یک نوآوری ادبی مواجهیم. (محمدنام، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹)

در این بخش به برخی از نکات ادبی می‌پردازیم که در دوره معاصر برای بار نخست به تفاسیر راه یافته است.

۱.۱.۳ نکات بلاغی

طرح مباحث بلاغی در تفاسیر، گرچه سابقه‌ای دیرینه دارد،^۲ اما از شاخصه‌های مهم نوآوری در تفاسیر این دو سده، بیان نکات بلاغی به انضمام تحلیل‌های بی‌سابقه است. از جمله مواردی چون:

۱.۱.۱.۳ صنعت مراعات نظیر

این صنعت بلاغی به بررسی تناسب میان اجزای آیات و سوره می‌پردازد؛ برای نمونه، صفات چهارگانه خداوند (الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ) با یکدیگر تناسب دارند.

- ابن عاشور پیوند چهار صفت: «الْمَلِكِ» (فرمانروا)، «الْقُدُّوسِ» (منزه از نقص)، «الْعَزِيزِ» (دارای عزت با همراهی او) و «الْحَكِيمِ» (دارای حکمت با همراهی او) را با دیگر آیات

سوره بررسی نموده و این آیه را استیناف بیانی از صفات چهارگانه مذکور در آیه ۱ دانسته است. یعنی اگر از یکدیگر در مورد وجه تخصیص به ذکر نمودن این صفات سؤال کنند، گویا به مقتضای حال است که خداوند شی عظیمی را به جهت تعلق این صفات به احوال خلقتش بیان نمود، هنگامیکه رسولی را از میان خودشان برانگیخت. پس «الْمَلِكِ» است زیرا وی تدبیر امور خلق نموده و امورشان را اصلاح می‌کند، «الْقُدُّوسِ» است به اینکه نفوسشان را تزکیه نموده، به اقتضای صفت «الْعَزِيزِ»، امیون را به مراتب اهل علم رسانده و از ذلت گمراهی خارج نموده و به شرف علم نائل گردانده و به اقتضای صفت حکیمش به ایشان حکمت و شریعت آموخته است. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۱۸۸)

- صادقی تهرانی صفات چهارگانه را به منزله ارکان و ستون‌های این تسبیح دانسته، معتقد است «الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»: کسی است که در ملکش، قدسش و عزتش حکیم است و او کسی است که کائنات در ذات، صفات و افعال، از هر آلودگی و زنگاری، ارادی یا اجباری تسبیح و تنزیهش می‌کنند و کائنات از این جهت که مخلوق اویند، با زبان ذات و صفات خالقشان را از هر عیب و تناقضی تسبیح می‌کنند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۸، ص ۳۲۵)

- مدرسی ارتباط میان صفات چهارگانه با بعثت نبی (ص) و نیاز مردم به تسبیح خداوند را اظهار نموده، معتقد است این اسماء حسنیای چهارگانه هنگامی تجلی یافت که رسولی برای مردم از خود ایشان، برای هدایتشان مبعوث شد تا ایشان را پس از آنکه از راه درست دور افتاده بودند، به راه درستی که کائنات در جریان آن هستند بازگرداند، و این گونه جریان اصلاح جامعه آغاز شد، به گونه‌ای که از متفرق بودن به الفت و از ضعف به قوت و از جاهلیت و اختلاف به علم و تمدن رسیدند. (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵، ص ۳۷۰)

۲.۱.۱.۳ صنعت طباق

ابن عاشور در آیه دوم معتقد است، در وصف امی با تلاوت و تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه نفوس نوعی از حسن طباق و تضاد وجود دارد. زیرا معمولاً این صفات متضاد با امیّت است. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۱۹۲)

گونه‌شناسی نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر ... (رامش حلاجیان اصفهانی و دیگران) ۵۳

التفسیر المنیر در آیه ۶ میان عبارت «فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ» و عبارت «وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا»، صنعت طباق سلب را ذکر نموده است. (در واقع دو آرایه طباق و تضاد هر دو به کار رفته است) و در عبارت «عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ»، میان غیب و شهادت، صنعت طباق به کار رفته است. (زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۸، ص ۱۹۷-۱۹۹)

۳.۱.۱.۳ تشبیه

- صادقی تهرانی بر خلاف مفسران پیشین، با بیان وجه شبه در عبارت: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» آیه ۵، مشبه را این‌گونه بیان می‌کند: ۱. کسانی که مکلف به این امانت الهی از نظر حفظ، عمل و نشر شدند. ۲- کسانی که با محوریت تزییع امانت توسط ایشان و عدم حفظ این امانت و خیانت نسبت به آن، به انکار و تحریف آیات تورات همت گماشتند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۸، ص ۳۳۱)

- زحیلی «حَمَالَةً» را به معنای کفالت و تشبیه را از نوع تمثیل دانسته است، زیرا وجه شبه منتزع از متعدد است، یعنی مثل ایشان در عدم انتفاعشان از تورات، مانند حمار (جهل و حقارت) است که کتاب بر دوش دارد، در حالیکه جز خستگی حاصلی ندارد. (زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۸، ص ۱۸۸)

۴.۱.۱.۳ بیان وجوه افتراق تشبیه

- صادقی تهرانی در آیه ۵ برخلاف سایر تفاسیر، علاوه بر وجوه تشبیه، وجوه افتراق یهود به حمار را نیز ذکر می‌کند: ۱- دراز گوش، با وجود وضوح این کتب نمی‌فهمد چه چیزی را حمل می‌کند، بر خلاف عالمان تورات با وجودی که امکان فهم کتاب را در حین حملش داشتند، آن را انکار نمودند، لذا از دراز گوش بدتر و گمراه‌ترند. ۲- الاغ رام و تحت انقیاد است و بار را بدون کم و کاستی به مقصدش می‌رساند اما حمله تورات آن را دست برد زده، تحریف نموده و مطابق میلشان تغییر می‌دهند و به بهای اندک می‌فروشند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۸، ص ۳۳۵)

- زحیلی به وجه افتراق حمار و یهود (اعراب/۱۷۹) پرداخته و حال یهود را از حمار وخیم‌تر می‌داند. (زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۸، ص ۱۸۸)

۵.۱.۱.۳ مجاز، استعاره و کنایه

- ابن عاشور تشبیه آیه ۵ را، از نوع تمثیل و حمل مجاز به حقیقت دانسته است. مشبه: مکلف به تورات و مشبه به: درازگوشی است که کتاب را حمل می‌کند. وی معتقد است اطلاق حمل و هرآنچه به این معنا اخذ می‌شود، استعاره است، به وسیله تشبیه امر موردنظر بر حمل بار بر دوش باربر و به همین سبب تمثیل حال ایشان به حال حماری که کتاب بر دوش می‌کشد تمثیلی مجاز به حقیقت است که این نکته از لطائف القرآن است. (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۸، ص ۱۹۲)

- صادقی تهرانی «وَذَرُوا الْبَيْعَ» آیه ۹ را مجاز مرسل دانسته که بدان بیع اطلاق شده، اما مقصود جمیع انواع معاملات و اشتغالات مربوط به بیع و شراء و اجاره و شرکت و... است. صادقی واژه «ید» را نیز نماد انجام افعال می‌داند که منظور اعم از اعمال لسان و قلب یا... است و معتقد است استعمال «ید» کنایه از همان اعمال زشت ایشان است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۸، ص ۳۳۴)

۲.۱.۳ بررسی سیاقی

بررسی سیاقی سبقتی دیرینه‌ای در بررسی‌های تفسیری دارد که در دوره معاصر علاوه بر جنبه ادبی از پشتوانه تفسیر عقلی برخوردار شده و از این جهت مورد اهتمام مفسرین قرار گرفته است.

- زحیلی آیات سوره جمعه را بر اساس سیاق به سه بخش تقسیم نموده و با انتخاب عناوین متناسب با محتوای سیاق به بررسی تفسیر آیات می‌پردازد. سیاق اول (آیات ۱-۴) با عنوان اختصاصات نبی (ص) نسبت به عرب و عموم مردم، سیاق دوم، آیات (۵-۸) وضعیت یهودیان نسبت به تورات و تمنای مرگ و سیاق سوم (۹-۱۱) فریضه جمعه و اباحه عمل پس از آن را بیان می‌دارد. سپس تحت عنوان: «فقه الحیاء أو الأحکام» به نکات تفسیری مهم و محتوایی پرداخته که ارتباط این سه سیاق را با یکدیگر روشن می‌کند. (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۱۹۷-۱۹۹)

- علامه طباطبایی آیات سوره جمعه را به دو سیاق تقسیم‌بندی نموده: سیاق اول (آیات ۱-۸)، سیاق دوم (۹-۱۱) سپس با عنوان: «بیان» محور اصلی این سوره را اهتمام به نماز جمعه و سعی در توفیر لوازم اقامه آن دانسته، چراکه نماز جمعه از شعائر بزرگ

گونه‌شناسی نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر ... (رامش حلاجیان اصفهانی و دیگران) ۵۵

الهی است که اهتمام به آن، دنیا و آخرت مردم را اصلاح می‌کند. وی تسبیح سرآغاز سوره را به بعثت رسولی امّی (با مأموریت‌های سه‌گانه: تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت) پیوند زده و معتقد است خداوند به همین منظور قرآن و معارف دینی را بر امّیون و افرادی که به آنان ملحق می‌شوند، تکلیف نموده است و از اینکه مثل یهود از عمل به تورات سرباز زنند زنهاریشان داد و در آخر حضور در نماز جمعه و رهاکردن دادوستد و شتافتن به ذکرالله را در هنگام نماز به عنوان نتیجه ذکر نمود و افرادی را که خلاف این دستور عمل می‌کنند، سرزنش نموده و این رفتار را نشانه عدم پذیرش کتاب خدا و احکامش دانسته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۶۳)

جدول نوآوری‌های ادبی تفاسیر دوره معاصر

ردیف	نام تفسیر	دستور زبانی	بلاغی
۱	الکاشف	-	-
۲	التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج	-	صنعت طباق سلب صنعت طباق میان غیب و شهاده بیان وجه شبه بی سابقه
۳	التحریر و التئویر	اسلوب تاکید، جمله اسمیه وجه جدید اعراب در آیه «ال» در الحمار تکرار عامل در مبدل منه	۲ ۳ ۵ ۸ صنعت مراعات نظیر صنعت طباق تشبیه تمثیلی الثقات از خطاب به غیب
۴	المیزان فی تفسیر القرآن	توجیه اختلاف در ضمیر «الیها» و «الیه»	۱۱ استعاره مصرحه در معنای «فانفضوا»
۵	من وحی القرآن	-	-
۶	من هدی القرآن	توجیه مجهول بودن فعل «فُضِّیَتْ»	۱۰ صنعت مراعات نظیر
۷	الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه	اسم «من» دال بر تمامیت فضل تردیدات مجهول بودن «نودی»	۴ ۹ ۱۰ صنعت مراعات نظیر وجه شبه ذکر وجوه افتراق مجاز مُرسَل در «و ذروا البیع»

۷	کنایه در استعمال واژه «ید»		و «فُضِّيت»		
---	----------------------------	--	-------------	--	--

۲.۳ مناهج و روش‌های غالب در دوره معاصر

ابداع روش از حرکت‌های نوین دوره معاصر است و روشمند شدن تفاسیر در دوره معاصر به مفهوم علمی و به منظور کشف مراد الهی آن رخ داده است. آنچه مفسران پیشین در تفسیر آیات بر آن ممارست داشته‌اند فقط مدلی جهت کشف مراد الهی بوده است. (پاکتچی، ۱۳۹۶، به نقل از کارگاه روش‌ها و مکاتب تفسیری پاکتچی)

مهارت یک مفسر نه بر اساس اظهار نظر نهایی او درباره معنای عبارت قرآن، بلکه بر مبنای میزان مهارت او در انجام کاری قانونمند قابل ارزیابی است. (جرالد هاوینگ و عبدالقادر شریف، نورمن کالدور، ۱۳۹۰ش، ص ۱۷۰)

در زیر به معرفی مناهج و روش‌های نوینی که در تفاسیر دوره معاصر مطرح است می‌پردازیم:

۱.۲.۳ بررسی واژه‌ها

یکی از مسائل چالش برانگیز سوره جمعه، بعثت رسول «أُمِّي» در میان امیین، با محوریت واژه «أُمِّي» است که در سه مرحله تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت رسالت خود را ابلاغ می‌نماید. تنوع آرای تفسیری، همراه با نقد و تحلیل‌های بی سابقه، درباره واژه «أُمِّي» در دوره معاصر، فهمی جدید از این واژه ارائه داده است. به عنوان نمونه:

- فضل الله (۱۴۳۱ق) بر خلاف تفاسیر پیشین نظریه «أُمِّي» به معنای «گوییم»: «لا کتاب» را طرح نموده است. این واژه که به زبان عبری در تورات آمده است، قبلاً توسط ابن عاشور این گونه طرح شد که یهود با به کارگیری این واژه، قصد داشت زشت‌ترین تعبیر را به نبی (ص) نسبت دهد. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۱۸۷)، اما فضل الله «أُمِّي» را منسوب به «أُمَّم»، به معنای غیر یهود از میان امت‌ها دانسته است، یعنی یهود خود را قوم مختار و بقیه غیر از یهود را همان «أُمِّيَّونَ» می‌دانست. (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص ۲۰۵)، البته از این نظریه در سالهای اخیر خوانشی نو توسط قرآن پژوهان معاصر ارائه شده است. ایشان «گوییم» را نه به مفهوم «غیر یهودی»، بلکه به مفهوم «فاقد فرهنگ

گونه‌شناسی نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر ... (رامش حلاجیان اصفهانی و دیگران) ۵۷

اجتماعی و بدوی» دانسته‌اند. خاستگاه این تفسیر ریشه در تفسیری تاریخی از یهود شبه‌جزیره دارد. ایشان با تقسیم‌بندی دوگانه، خود را دارای فرهنگ، متریقی، متمدن و دارای فناوری دانسته، اما عرب‌ها را دارای فرهنگ نازل و بدوی می‌دانستند. (دهقانی و امامی، ۱۳۹۵، ص ۴۰)

- یوسف شعار نقدهای نویی بر نظر «أمّی» به معنای «أمّ القریّی» وارد نموده که عبارتند از: الف) مخالفت با قواعد عربی: اگر «أمّ القریّی» منسوب شود، «قروی» می‌شود، نه «أمّی».

ب) استعمال «أمّی» در قرآن ایجابی است و به عنوان لقب نبی (ص) و دال بر قدرت و مقام اوست.

ج) در زمان نزول قرآن مکه لقب «أمّ القریّی» نگرفته بود و این نام به هر شهر یا قریه مرکزی اطلاق می‌شد: ۵۳/قصص

د) «أمّی» در همه جای قرآن به یک معنای واحد و معنایش: درس نخوانده است. (۷۸/بقره، ۷۵/آل عمران، ۱۵۷/اعراف، ۲/جمعه). (شعار، ۱۳۶۹، صص ۲۶۰-۲۶۱)

جعفر سبحانی نیز نقدهایی با رویکرد کلامی بر نقدهای شعار وارد نموده است. (رک: سبحانی، ۱۳۸۷ش=۱۳۴۰ق، ص ۱۷۷)

برخی از قرآن پژوهان معاصر با ارائه نظری جدید معتقدند «أمّی» منسوب به «أمّ القریّی» یعنی: مکه است و نبی اکرم (ص) نه به اعتبار اینکه زادگاهش مکه است، بلکه به اعتبار اینکه زاده مهد توحید است، أمّ القریّی است. زیرا خداوند، مکه را بلد توحید قرار داد. خود او مکی بود و او را به محمد امین می‌شناختند و از سلاله مردانی بود که پاسدار کعبه و فرهنگ توحیدی آیین حنفی بود و عده‌ای ام القریّی گرد ایشان بودند که فرهنگ توحیدی و کعبه و بیت را قبول داشتند. و نیز این بلد را بلد امن قرار داد زیرا جریان توحید از اینجا آغاز شده است و ادامه می‌یابد. (میرباقری، ۱۳۹۷ش، پایگاه اطلاع‌رسانی میرباقری) مطابق این نظریه عمده معانی که برای واژه «أمّی» ذکر شده است، معارض هم نیستند.

- صادقی تهرانی در مفهوم ندای نماز جمعه، تقسیم‌بندی بی‌سابقه‌ای ارائه داده، وی برخلاف دیگران که «ندا» را مطلق اذان یا اذان نماز جمعه دانسته بودند، معتقد است «نودی» یا ندای الله است یا ندای اذان. (صادقی تهران، ۱۳۶۵، ج ۲۸، ص ۳۴۰).

- طباطبایی با این که در لغت بیشتر نظر راغب را نقل می‌کند، اما به اقتضائات و لوازم معنای واژه توجه نموده که در تفاسیر پیشین بی‌سابقه است. وی در معنای صفات چهارگانه به اقتضائات این اسماء نیز اشاره نموده و معتقد است «الْمَلِکِ» کسی است که مقام حکمرانی در نظام جامعه مختص او است و او می‌تواند بر اهل مملکتش حکم براند و بر اهل مملکت است که او را اطاعت کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۶۳)

۲.۲.۳ روش قرآن به قرآن

روش قرآن به قرآن از ابداعات علامه طباطبایی در تفسیر المیزان است. وی در مقدمه تفسیرش به شرح این روش و دلایل خود برای انتخاب این روش می‌پردازد. (رک: همان، ج ۱، ص ۱۳) در آیه ۶ سوره جمعه نمونه‌ای از اعمال این روش مشاهده می‌شود. وی در این آیه با بیان سه ادعای یهود تفسیر می‌کند: ۱- یهود خود را پسران و دوستان خدا می‌دانستند. (مائده/۱۸) ۲. مالکین منحصر خانه آخرت می‌دانستند. (بقره/۹۶) ۳- دارندگان حق ورود به بهشت می‌دانستند. (بقره/۱۱۱). همچنین در آیه ۸، با استمداد از دو آیه (انبیاء/۳۵) و (واقعه/۶۰)، حق بودن و حتمی بودن مرگ را بیان می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص: ۲۶۴)

- شاید مفسرینی چون مغنیه سبقه زمانی نسبت به علامه طباطبایی داشته باشند، ولی طباطبایی تفسیر قرآن به قرآن را روشمند نموده است. تفاسیری همچون الکاشف، الفرقان و من وحی القرآن علیرغم ادعایی که بر روش قرآن به قرآن نموده‌اند، ولی در تفسیر آیات روشی منحصر به فرد و تلفیقی پیموده‌اند. مغنیه با سبکی نوین با ارائه ادله عقلی به پرسش‌های نسل جوان پاسخ می‌دهد. وی روش قرآن به قرآن و قرآن به سنت را با سبک عقلی-اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در هم آمیخته و با حذف نابایسته‌های تفسیری پیشین (حذف تفاسیر برگرفته از اسرئیلیات، نظیر: (بقره/۲۵۹، ۱۰۲، ۳۵؛ ص/۲۱ و ۴۱ و یوسف/۲۳)؛ حذف مطالب غیر مستند و غیرعلمی، نظیر: (اعراف/۱۵۵)؛ حذف مطالب ناکارآمد، نظیر: (آل عمران/۹۶)، حذف تفاسیر ناسازگار با دیگر آیات، نظیر: (بقره/۱۴۴)، افقهای جدیدی در عالم تفسیر باز نموده است. وی «ذلک فضل الله بوتیه من یشاء...» ۳/ جمعه را نظیر: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الأنبیاء/۱۰۷) و اسم اشاره «ذلک» را اشاره به محمد (ص) می‌داند که فضل خدا و رحمتی برای جامع بشریت است. این در حالی است که اکثر مفسرین «ذلک» را امر بعثت تفسیر می‌کنند.

گونه‌شناسی نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر ... (رامش حلاجیان اصفهانی و دیگران) ۵۹

- فضل الله نیز در بسیاری از مواضع به روش قرآن به قرآن التزام دارد. به عنوان نمونه: «زعم» علمای یهود به برگزیدگی قوم یهود را مطابق با آیه (بقره/۱۱۱) و در آیه ۶ سوره جمعه تحدی یهودیان را نظیر: آیه مباحله (آل عمران/۶۱) می‌داند. (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص: ۲۰۵)

۳.۲.۳ تناسب آیات و سور

بررسی تناسب آیات و سور که از قرون نخست مورد توجه مفسرین بود، در دوره معاصر از رونق بیشتر با پشتوانه عقلی برخوردار است. از جمله نوآوری‌های این روش، نگاه کلیاتی مفسر به سوره جمعه است که در تفاسیر ادوار پیشین کمتر مشاهده می‌شود. هرچند در بعض دیگر تفاسیر چنین نگاه جامعی به کل سوره وجود ندارد و صرفاً به تفسیر آیه به آیه پرداخته‌اند و جمع بندی از کلیات سوره بدست نمی‌آید، اما مفسرینی نظیر ابن عاشور، زحیلی، علامه طباطبایی، صادقی تهرانی، فضل الله و مدرسی با بررسی تناسب میان آیات و سور محور اصلی سوره را ذکر نموده‌اند. در این نوآوری نباید سهم قرآن پژوهان معاصر همچون میرباقری و اخوت را نادیده انگاشت.

ابن عاشور در بیان وجه اتصال آیات به ماقبل و مابعد، تسیح سوره را تشویقی بر نماز جمعه و سرزنش کسانی که نماز را قطع نموده و به جهت تجارت یا لهو خارج شدند دانسته تا تعریض به کسانی باشد که نماز را تمام نکردند. (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۸، ص: ۱۸۵) وی در تفسیر عبارت: «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»، اولین گام را تبلیغ و گام دوم را تزکیه می‌داند. سپس بحث تعلیم کتاب را بیان (قیامت/۱۸ و نحل/۴۴) و حکمت را مقصد نهایی می‌داند. (۲۳۱/بقره و ۱۶۴/آل عمران) (همان)

- زحیلی فصلی را با عنوان «المناسبة» به این مهم اختصاص داده، قبل از تفسیر آیه ۸، امی بودن پیامبر و مبعوث شدن ایشان برای امت عرب را ذکر می‌کند و سپس خبر از رد نبوت پیامبر توسط یهود داده و آنان را محکوم به عمل نکردن آیات الهی و تورات می‌داند. وی می‌گوید: «پس از اینکه خداوند توحید و نبوت را اثبات نمود و خبر داد که رسولی عربی امی رابه سوی عرب امی مبعوث نموده است و یهود گفتند: نبی (ص) تنها خاص عرب مبعوث شده است و برای ما مبعوث نشده است، خداوند کلامشان را با این بیان که ایشان به تورات عمل نکردند، رد نموده است و اینکه اگر

ایشان به مقتضای تورات و آیاتی از آن که بشارت به رسول (ص) داده است، عمل می‌کردند، از آن منتفع شده و ایمان به آن می‌آوردند، دیگر چنین شبه‌هایی را وارد نکرده و چنین کلامی به زبان نمی‌آوردند و مثل ایشان در عدم انتفاعشان از تورات و ترک عمل به آن مثل خری است که کتبی چند حمل می‌کند و جز رنج و خستگی نصیبی نمی‌برد.

سپس خدای تعالی پاسخی دیگر به سخن و شبهه ایشان که می‌گویند: «ما پسران و دوستان خداییم.» (مائده/۱۸) می‌دهد، که اگر بر حق بوده و مطمئن هستید، از خدا بخواهید تا مرگتان فرارسد و به سرعت به دار کرامت منتقل شوید، با اینکه ایشان به سبب اعمالشان (کفر و تحریف آیات الهی) هرگز چنین درخواستی نخواهند کرد. (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۱۹۰)

- طباطبایی معتقد است سوره جمعه را به بیانی کاملاً انگیزنده، مسلمین را به اهتمام نسبت به نماز جمعه (و لوازم به پاداشتن نماز جمعه) فراخوانده، چرا که نماز جمعه از شعائر الهی است که اهتمام نسبت به آن موجب اصلاح امر دنیا و آخرت ایشان می‌شود. وی آیات ۸ تا ۱۸ را تمهیدی برای مسأله اصلی سوره جمعه یعنی نماز جمعه و فوائد و اهمیت و موانع آن می‌داند. وی به وجه ارتباط تشبیه یهود به حمار حامل اسفار با آیه مربوط به بعثت پیامبر اسلام (ص) می‌پردازد و نظر آلوسی را نقد می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۴۴۹)

- فضل الله به بررسی ارتباط صفات چهارگانه آیه ابا مضمون سوره پرداخته، مناسبت واژه «الْمَلِكِ» را با تجارتي که به جهت کسب و کار به سوی آن پیشی گرفتند، واژه «الْقُدُّوسِ» را با لهوی که آنان را از ذکر الله باز داشت، «الْعَزِيزِ» را با مباحله‌ای که یهود را بدان دعوت نمودند و مرگی که همه چشیده آن هستند و «الْحَكِيمِ» را با برگزیدن نبی (ص) در میان «الْأُمِّيِّينَ» دانسته است. (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص ۲۰۴) وی معتقد است سوره از بعثت نبی اکرم (ص) و مختصات و آثار و فوائد آن بحث کرده است و رسالت بزرگ اجتماعی و تاریخی حضرت را بیان می‌کند. و این فضلی است که خدا بر ایشان و امت ایشان عنایت کرده است و امری نیست که کسی بخواهد با آن رقابت کند. لکن این امت مسلمان باید توجه کنند که نباید مانند سائر امت‌های قبل باشند که از حقیقت دین شان دور شدند و ظاهری را اخذ کردند. مثال این

گونه‌شناسی نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر ... (رامش حلاجیان اصفهانی و دیگران) ۶۱

حقیقت، حیوانی است که کتب آسمانی را حمل می‌کند و بهره‌ای از آن ندارد. شاخصه این دوری از حقیقت دین، نگاه ایشان به مرگ و آمادگی برای آن است. اما نماز جمعه در سوره، تجمع شرعی و موقفی برای تحقق این بعثت و تعلیم و تحکیم آموزه‌های دینی و رسیدن به ذکر الهی است. عده‌ای گفته‌اند جمعه و نماز جمعه امر واضحی برای استقلال در شعائر دینی از بقیه ادیان خصوصاً یهود بوده است. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص: ۲۰۱؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵، ص ۳۶۵)

- صادقی تهرانی با تنقیح نظریه المیزان آیات نخست سوره را به منزله تمهید برای آیات وجوب نماز جمعه دانسته است. در ابتدا خداوند همه مجامع و محامدش را ذکر نموده است، لذا در طلوعه سوره حقیقت تسبیح مستمر از سوی تمام کائنات مطرح شده، پس همه کائنات در تسبیح خداوند جمعند، لذا باید روز جمعه، جمع شدن حول محور ذکرالله و تسبیح خدایتعالی باشد. لذا سوره را بر محور تسبیح و ذکر الهی و پیوند دادن این حقیقت به نماز جمعه بیان کرده است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۸، ص ۳۲۳)

- از نظر برخی قرآن پژوهان سوره جمعه، مسئله تجمع بر محور نبی اکرم(ص) است. سوره‌ای که جریان بعثت را توضیح می‌دهد. رسولی در جمع امین مبعوث شده و وظیفه بقیه انسان‌ها الحاق به جریان امین است. مقصود از امین اهل مکه (ام القری) و کسانی است که اهلیتی با این پایگاه توحید دارند. یعنی مکه مادر قریه‌هاست و از اینجا جریان توحید می‌جوشد و به بقیه قریه‌ها سرریز می‌کند. رسول اکرم(ص) هم اهل این شهر است و این شهر یک کالبد و جسم نیست، بلکه ظرفی است که تناسب با جریان توحید دارد. هرکسی که در مکه است، امی نیست. ممکن است کسی در مکه هم نباشد ولی امی و اهل این ام القری باشد. بقیه هم باید اهل این شهر و پایگاه توحید در مقیاس نبی اکرم(ص) شوند. جریان یهود در سوره هم کسانی هستند که بر سر این مسئله و محوریت نبی اکرم(ص) برای تجمع توحیدی در عالم، در حسادت و مقابله هستند و خود را «ولی الله» و محور این جمع می‌دانند. آیات پایانی سوره از این تجمع پرده‌برداری کرده و در قالب نماز جمعه، وظیفه الحاق به جمع نبی اکرم را امر کرده است. وظیفه‌ای که با دوری از لهُو و تجارت بدست خواهد آمد. (میرباقری، ۱۳۹۷، پایگاه اطلاع رسانی)

برخی دیگر قرآن پژوهان در شرح سیاق دوم سوره جمعه (۵-۸) معتقدند با توجه به اینکه دغدغه اصلی نبی اکرم صیانت از کتاب و ابلاغ آن به جهانیان بوده است، و این در گروی

همراهی عملی امت با اوست و با توجه به خصوصیات یهود و کارشکنی‌های فراوان ایشان، نبی اکرم سخت نگران یهودی سازی امت بود. یهودی سازی امت به این معنا که امت اسلام خصوصیات این قوم را دارا شوند. از جمله مهمترین این ویژگی‌ها می توان از حس گرایی قوم یهود نام برد. در آیات ۶-۷ با توجه به عدم تمنای مرگ توسط قوم یهود، اشاره به حس گرایی امت نموده است که باعث پراکندگی ایشان از پیرامون رسول شد. (اخوت، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷)

۴.۲.۳ روش عقلی

روش عقلی در مقابل تفسیر به رای مذموم و به معنای روش اجتهادی است که بر اساس قواعد قطعی یا علمی و براهین منطقی در شرح معانی قرآن به کار گرفته می شود و تدبیر در مضامین و تامل در ملازمات و دقت در اشارات کلام می کند. (ایازی، ۱۳۷۳ش، ص ۵۶۳) پاسخ به شبهات و پرسش های روز از اقدامات مهم این روش تفسیری است.

- مغنیه در آیه ۲، مبتنی بر تعریف «حکمت» اشاره به عمومی بودن دعوت محمد (ص) برای همگان دارد و مخاطب این دعوت را عقل مردم دانسته است. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۴۵) وی روزی را اعم از دنیوی و اخروی دانسته، شرکت در نماز جمعه را نه تنها موجب کاهش روزی، بلکه باعث افزایش آن نیز می داند. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۳۲۷)

- ابن عاشور در صدد پاسخگویی به شبهاتی که یهود در «امی» بودن نبی اکرم (ص) و مسلمانان، به جهت تحقیر و انکار ایشان وارد نمودند، برآمده، نوآوری قرآن را در این آیه تحدی نسبت به یهود دانسته، می گوید: «و یهود مسلمانان را بخاطر امی بودن عیب جویی می کردند. (آل عمران/۷۵)، اما خداوند در اینجا با یهود تحدی نموده است، این تحدی مانند تحدی است که در مورد موسی (ع) نموده است. (قصص/۵-۶) و رسول را به این صفت متصف کرده است که از زمره امیین است بخاطر شباهتش به ایشان در امیت و قومیت... و این از گزیده گویی قرآن نوآور است.» (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۸، ص ۱۸۷)

- صادقی تهرانی در تفسیر «الْأُمِّيَّيْنَ» با ارائه تقسیم بندی نو، «الْأُمِّيَّيْنَ» را مانند جهل به «الْأُمِّيَّيْنَ» محض و نسبی تقسیم می کند. امی محض کسی است که دچار جهل محض است و جهل محض در (نحل/۷۸) ذکر شده است. و «الْأُمِّيَّيْنَ» نسبی کسی است

گونه‌شناسی نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر ... (رامش حلاجیان اصفهانی و دیگران) ۶۳

که دچار جهل نسبی است. یعنی کسی که اهل کتاب است اما از کتاب چیزی جز امانی نمی‌داند یا کسی که نسبت به کتاب آسمانیش علم دارد، اما به قرآن ایمان نیاورده است... پس رسول ص قبل از وحی، نسبت به قرآن «الْأُمِّيُّ» بوده است... سپس پس از نزول قرآن امیت او رفع شد...» (صادقی تهرانی، ج ۲۸، ص ۳۲۷)

- مدرسی در آیه ۱۱ پرده از تناقض بین دین و دنیا برداشته، بیان می‌دارد تنها راه رسیدن به خیر دنیا و آخرت پیروی از برنامه استوار دین است. (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵، ص ۳۷۰)

- طباطبایی به بحث عقلی در باب «معنای حکمت» می‌پردازد. وی تسبیح تمام موجودات (عادل و غیر عادل) را تسبیحی حقیقی می‌داند. (اسراء/۴۴). چون اگر منظور از تسبیح، تسبیح مجازی بود دیگر جا نداشت بفرماید شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید زیرا تسبیح مجازی این است که موجودی با هستی خود دلالت بر وجود خالق و صانعش کند و این دلالتش حجتی باشد علیه منکرین صانع. (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۲۷۱)

- فضل‌الله درباره‌ی «ابتغای فضل‌الله» می‌گوید

طلب روزی است که با ترک بیع مقابله دارد و اگر منظور از ترک بیع همه کارهایی است که آدمی را از نماز باز می‌دارد، لاجرم منظور از طلب رزق همه کارهایی است که عطیه خدای تعالی را در پی دارد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص ۲۷۴)

- سهم قرآن پژوهان معاصر در روشمند کردن تفسیر عقلی قابل اغماض نیست. به عنوان نمونه: برخی از قرآن پژوهان معاصر در پاسخ به این سوال که جایگاه اقتصاد در جامعه اسلامی کجاست؟ معتقدند سیاق سوم این سوره (۹-۱۱) تاکید بر اقتصاد در جامعه اسلامی دارد. در این آیات فراخواندن به نماز جمعه را دال بر تعطیلی روز جمعه نمی‌داند، زیرا در آیه ۱۰ بیان می‌دارد که پس از نماز مجدداً مشغول تجارت شوید و چرخه اقتصاد را تعطیل نکنید. (دهقانی و امامی، فرزاد، ۱۳۹۵ش، ص ۴۰)

- یوسف شعار عبارت پایانی آیه ۱۱: «وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» را به عنوان آیه مشکله مطرح نموده و با استناد به دو آیه: (طه/۱۳۱ و حج/۵۸) معتقد است به هیچ روی نمی‌توان این آیه را حمل بر رزق دنیوی دانست و مقصود از این رزق، رزق اخروی است. (شعار، ۱۳۶۹ش، صص ۲۶۱-۲۶۰)

- جعفر سبحانی در نقد نظرات شعار معتقد است:

یک) آیه سوره طه و حج از نظر سیاقی و ادبی هیچ ارتباطی به «وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»^{۱۰} سوره جمعه نداشته و این بیان از مقوله آسمان و ریسمان یافتن است. چرا که در ۱۰ جای دیگر قرآن کریم نظیر این عبارت یا عبارت کاملاً مشابه، به کار رفته است و مقصود از آن رزق دنیوی است. چرا شعار به این موارد استشهاد نموده است؟ اهل زبان هیچگاه یکی از این آیات را وسیله فهم دیگری قرار نمی دهند. (سبحانی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۷۷)

دو) آنچه باعث شده شعار این دو آیه را قیاس کند، واژه مشترک «خَیْر» در دو آیه است، حال آنکه «خَیْر» در آیه مورد بحث صفت رزاق است، اما در ۱۳۱/طه صفت رزق است و با این فرق مقایسه هرگز معنا ندارد.

سه) موقعی باید آیه را با آیه دیگر تفسیر نمود که اجمالی در آن باشد، حال آنکه مفاد آیه ۱۱ جمعه با این همه قرائن، و به ضمیمه شأن نزول، کامل است و می‌رساند که روزی دنیوی به طریق خصوص یا عموم در آیه داخل است. (همان، ص ۱۷۶)

- اخوت، از قرآن‌پژوهان معاصر معتقد است از آنجایی که اسماء الله هر سوره، حاکی از آسیب‌های فردی و اجتماعی مطرح در سوره است، یکی از آسیب‌های مطرح در این سوره فراموشی خیرالرازقین بودن خداوند است. پیداست که دغدغه جامعه آن روز حیات مادی است، اما گلایه‌ای که در پایان سوره، نسبت بر ترک نبی(ص) در نماز می‌شود، دلالت بر در پیش گرفتن مسیر انحرافی جامعه در ترک رزق معنوی و اهتمام به رزق مادی و ظاهرگرایی دارد. (اخوت، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰)

۵.۲.۳ روش استیحایی

در تفسیر من وحی القرآن فراوان عبارت: «کیف نستوحی بعض...» و واژه: «استیحاء» و «استلھام» مشاهده می‌شود. «استیحاء» مصدر باب استفعال از ماده: «وحی» به معنای ایده پردازی است و روش استیحایی در تفسیر یک آیه عبارت است از دستیابی به جهان‌های دیگر از طریق الھام گرفتن از آیات. (رک: مهریزی، حلاجیان، ۱۴۰۱، ش: ۲، ص ۹)

- فضل الله در مقدمه تفسیر اذعان داشته است که ادعای نوشتن تفسیر جدید را ندارد، بلکه فقط انطباقات و استنتاجات به آرای مفسران افزوده است. وی تلاش کرده تا آیات

گونه‌شناسی نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر ... (رامش حلاجیان اصفهانی و دیگران) ۶۵

قرآن کریم را به نظریه‌های قابل اجرایی تبدیل کند، تا علاج دردهای جامعه و کمک مسائل روز باشد. (رک: فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص: ۲۰۵)

وی با نظریه «استیحاء» روشی مبتنی بر دو رکن ابداع نموده است. رکن اول متن و رکن دوم انسان که با فعالیتش حرکتی ایجاد می‌کند که موجب به حرکت درآوردن متن می‌شود. بر این اساس ما هستیم که از ایحاء قرآن استیحاء می‌کنیم. به عنوان نمونه: درباره صفات موجود در آیه ۲ می‌گوید: «چه بسا برخی از مفسران مناسبت میان این صفات را استیحاء نموده‌اند. صفت «الْمَلِكِ» با تجارتي که برای ان شتاب می‌کنند، «الْقُدُّوسِ» با لهوی که از ذکر خدا به سوی آن می‌روند، «الْعَزِيزِ» با مباهله‌ای که یهود به ان فراخوانده می‌شوند و مرگی که گریزی از ان نیست و «الْحَكِيمِ» با اختیار رسولی امی از میان خود ایشان... این مطالب از جنبه استیحایی، ظریف و دقیق است، اما در دلالت واضح نیست.» (همان، ص ۲۰۵)

۳.۳ اتجاهات و گرایش‌های غالب در دوره معاصر

در این جا به اقسامی از گرایش‌ها که به صورت نوآورانه در تفاسیر عصر معاصر تجلی یافته است، اشاره می‌کنیم:

۱.۳.۳ گرایش اجتماعی

گرایش اجتماعی در برخی از تفاسیر معاصر گاه بیشتر صبغه سیاسی، گاه اقتصادی و گاه تربیتی است.

۱.۱.۳.۳ گرایش اجتماعی - سیاسی

- ابن عاشور پس از بررسی اقوال در خصوص وجود سه اذان برای اقامه نماز جمعه و انتساب آن به امویان با اشاره به واقعیت سیاسی موجود در آن عصر، وجود سه اذان در تونس و مغرب را بدعت و امویان را بدعت‌گذارانی دانسته که به سبب اغراض سیاسی دست به چنین اقداماتی زده‌اند. (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۸، ص: ۲۰۰)

- طباطبایی در جای جای میزان به بحث درباره آزادی، تفاوت معنای آزادی در اسلام و تمدن غربی، محدوده آزادی در اسلام و... پرداخته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص: ۳۳۹-۳۴۱ و همو، ص: ۳۵۱-۳۵۳) وی در آیه ۱ همین سوره، «الْمَلِكِ» را

کسی می‌داند که مقام حکمرانی در نظام جامعه مختص به او است و او می‌تواند بر اهل مملکتش حکم براند و بر اهل مملکت است که او را اطاعت کنند. (همو، ج ۱۹، ص: ۲۶۳)

- مغنیه یک گام عصری‌تر از سایر مفسرین معاصر به تطبیقات آیات با مسائل سیاسی روز پرداخته است. وی در تفسیر ال عمران/۱۱۸، واژه «بطانه» را کافران و یهود می‌داند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی «بطانه» را بیگانه و مغنیه آن را به «اسرائیل کنونی» تطبیق نموده است. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۴۵)

- صادقی تهرانی گاه متعرض مسائلی همچون نظام حکومت، طبقه‌های اجتماعی و... شده و در سوره جمعه به مقایسه حج و جمعه پرداخته می‌گوید:

حج یکی از بزرگ‌ترین فرائض الهی و افضل آن‌ها است، چرا که حج کنگره سالانه جهانی است، در صورتی که نماز جمعه کنگره هفتگی کشوری است. لذا نماز جمعه سید فرائض است، همان‌گونه که روز جمعه سید الایام است و نزد خداوند از عید قربان و فطر افضل است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۲۸، ص ۳۲۳)

- زحیلی حکم اقامه نماز جمعه بدون اذن امام را طرح نموده و مؤید این رای، به نظر فقهی ابوحنیفه در این خصوص اشاره دارد. (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۱۹۸)

۲.۱.۳.۳ گرایش اجتماعی - اقتصادی

- مغنیه در تفسیر آیه ۱۱-۱۰ سوره جمعه معتقد است مصلحت مادی اثر فراوانی در زندگی انسان دارد. زیرا اقتصاد قوام زندگی انسان است. با اینکه اقتصاد آنقدر عامل مهمی بود که باعث متفرق شدن از گرد رسول شد، اما تنها عامل محرک زندگی انسان و تنها دلیل متفرق شدن از گرد رسول (ص) نبود. اما این قضیه سبب آزمودن ایمانها شد و عده‌ای در معیت رسول (ص) باقی ماندند. وی «مَا عِنْدَ اللَّهِ» آیه ۱۱ را روزی دنیا و آخرت دانسته و معتقد است منفعت دنیوی و اخروی مانع الجمع نیست، بلکه هر عملی که موجب رفع نیاز دنیوی شود، در واقع عمل اخروی نیز هست. در واقع شرکت در نماز جمعه نه تنها موجب کاهش روزی نیست، بلکه باعث افزایش آن نیز می‌شود. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۳۲۷)

گونه‌شناسی نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر ... (رامش حلاجیان اصفهانی و دیگران) ۶۷

در تحلیل این گفتار به تعبیر بلعمی، بنا به شواهد تاریخی یهود در مدینه « هر چه اندر مدینه کار بودی ایشان کردند.» (طبری، ج ۱، ص ۱۵۱) ایشان در کنار زرگری و آهنگری که مشهورترین صنایع یشرب بود، برخی صنایع سبک، به ویژه صنایعی که به نخل خرما متکی بود... را مورد استفاده قرار می‌دادند. (خضری و احمدوند، ۱۳۸۵ش، ص ۵۵)

۳.۱.۳.۳ گرایش اجتماعی - تربیتی

- فضل الله « یُزَكِّيهِمْ » را نفوذ در اعماق احساسات ایشان به منظور پاک نمودنشان از رسوبات دوره جاهلیت دانسته که در پرتو این تزکیه، نقش رسول (ص)، به جریان انداختن مفاهیم اسلامی جهت تغییر و تحول داخل نفس عموم امت است، تا انسان مسلمان، به انسانی فعال در جهت انجام اعمال خیر باشد و این مهم توسط اسوه حسنه و با بازگشت به اخلاق حسنه و سلوک صحیح محقق می‌شود. (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص: ۲۰۵)

- مدرسی به شیوه‌ای تحلیلی و با روشی ابتکاری، ضمن تاکید بر قرآن به عنوان مهم‌ترین ماده آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها، عبارت: « يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ... » را ارائه برنامه‌ی تربیتی و راهکاری عملی برای هدایت جامعه توسط قرآن و برای معلمین می‌داند که پاکسازی مردم از بند نفس و زنجیرهایی که مانع حرکت او به سمت هدایت است، می‌باشد. (اعراف/مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵، ص: ۳۷۲)

۴. نتیجه‌گیری

نوآوری ویژگی خاص تفاسیر دوره معاصر (قرون ۱۴-۱۵) است. در این دوره تفسیر دچار تحولات عظیمی از جهت کمیت و کیفیت شده است. مفسران متأثر از پیش زمینه‌های معرفتی و غیر معرفتی، عوامل درونی و بیرونی، نوآوری‌های فراوانی در تفسیر قرآن داشته و دارند.

نوآوری مفسران در سه بخش عمده: ادبیات و مناہج و روش‌های مفسران و اتجاهات و گرایش‌های مفسران مورد مطالعه قرار داده گرفت. بررسی‌ها حاکی از آن است که نکات نوآورانه مفسران در زمینه نکات ادبی، بیشتر از سنخ طرح مصادیقی نو در سوره جمعه بوده است. در دوره معاصر نگاه ادبی محض در تفسیر آیات قرآن به شدت کاهش یافته و اهمتامی به طرح نکات دستور زبانی نیست، ولی پرداختن به نکات بلاغی بدیع و نو با غلبه

نگاه زیبایی‌شناسانه در تفاسیر، رونق یافته است. ارائه تحلیل‌های ادبی نو از نوآوری‌های مفسران در این دوره است. بررسی سیاقی و بحث از تناسب آیات و سوره با پشتوانه عقلی از روش‌های نوین تفسیری دوره معاصر است.

نوآوری‌های تفسیری در دوره معاصر، بیش از هر چیز تکیه بر محتوا و مفهوم داشته و گاه به شکل طبقه‌بندی نو، استدلالی نو، حل تناقضات در مبانی اندیشه و رفع شبهات در قالب روش‌ها و گرایش‌ها نو در تفاسیر است. از نوآوری‌های روشی مفسران این دوره، در مفردات می‌توان به: نقدی معناشناسانه واژه‌ها، قاعده‌مند کردن علم مفردات و رفع تعارض معنایی مفردات اشاره نمود. از دیگر روش‌های نوین عصر معاصر می‌توان از روش قرآن به قرآن، روش عقلی، روش استیحایی و روش تدبیری یاد کرد. گرایش اجتماعی و زیر شاخه‌های آن، از گرایش‌های نوین دوره معاصر است؛ گرچه در گرایش ادبی، فلسفی، عرفانی و فقهی که در دوره‌های پیشین آغاز شده بود، نیز نوآوری‌هایی در این عصر مشاهده شد. به طور کلی نوآوری در تفاسیر دوره معاصر، از تنوع و فراوانی بیشتر و برتری به جهت کمی و کیفی، نسبت به ادوار پیشین برخوردار است.

علیرغم نقاط مشترک روشی و گرایشی در تفاسیر، آنچه موجب نوآور بودن بسیاری از این تفاسیر شده است صرفاً یک روش یا گرایش خاص نیست، بلکه پیوندی از چند منهج و روش، اتجاها و گرایش است که چهره‌ای نو به آن تفسیر بخشیده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. هیچ تفسیری در خلأ شکل نگرفته، بلکه متأثر از تفاسیرهای پیشین خود بوده است. سنت تفسیری عبارت است از: قواعد ثابتی که یک مفسر در نگارش تفسیر خود از آن تبعیت می‌کند. (محمدنام، ۱۳۸۹: ۱۷۶)

۲. سه کتاب: مجازالقرآن ابو عبیده، نظم القرآن جاحظ (۲۵۵ق) و تأویل مشکل القرآن ابن قتیبه (۲۷۶د) هسته نخست مباحث بلاغی در تفاسیر به شمار می‌آیند. (اسعدی: ۱۳۸۹: ۲۳۲/۲)

کتاب‌نامه

- *قرآن کریم: ترجمه ناصر مکارم شیرازی
ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی‌تا)، التحرير و التنوير، بی‌جا، مؤسسه تاریخ.
ابن فارس، احمدبن زکریا (۱۴۱۴ق)، مقایس اللغه، بیروت: دارالفکر.

گونه‌شناسی نوآوری‌های تفاسیر دوره معاصر ... (رامش حلاجیان اصفهانی و دیگران) ۶۹

- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۹۹۷م)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
- اخوت، احمدرضا (۱۳۹۲ش)، آموزش روشهای تدبیر در قرآن، تهران: نشر قرآن و اهل بیت (ع).
- الجوهری، اسماعیل حماد (۱۴۰۴ق)، تاج‌الغره و الصحاح للعربیه، تعلیق: علی شبری، ج ۳.
- اسعدی و سایر همکاران، محمد (۱۳۸۹ش)، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایازی، سید محمد علی (۱۳۸۵ش)، سیر تطور تفاسیر شیعه، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۲ق)، انوار التنزیل و اسرار و التاویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پاکتچی، احمد، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، به کوشش موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۶۷ش)، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵.
- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن (۱۳۷۷ش)، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- حق شناس، علی محمد (۱۳۸۷ش)، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی، ص ۸۲۸، نشر فرهنگ معاصر.
- دهقانی، فرزاد، (۱۳۹۵ش)، گامی لرزان در پیشگاه مسبحات، مشهد، انتشارات مینوفر.
- رحمان ستایش، محمد کاظم (۱۳۷۳ش)، دایره‌المعارف بزرگ جهان اسلام، به کوشش کاظم بجنوردی، ج ۱۶ تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مدخل «جمعه».
- زاهدی، شمس‌الدین (بی‌تا)، فرهنگ جامع مدیریت، بی‌جا.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸ق)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- زرنگار، احمد (۱۳۶۷ش)، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، به کوشش محمد کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۶، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۷ش = ۱۳۴۰ق)، تفسیر صحیح آیات مشکله، تنظیم و نگارش: هادی خسروشاهی، تهران: مؤسسه امام صادق (ع).
- شعار، یوسف، (۱۳۶۹ش)، تفسیر آیات مشکله، نشر: مجلس تفسیر قرآن، چاپ سوم.
- صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ش)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۳ش)، تاریخ طبری، تهران: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، چاپ دوم.
- طیبیان، سید حمید (۱۳۷۸ش)، فرهنگ فارسی-عربی فرزاد، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.

۷۰ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲

غفرانی، محمد (۱۳۷۱ش)، آیت الله زاده شیرازی، مرتضی، فرهنگ اصطلاحات روز فارسی عربی، تهران: امیرکبیر.

فضل الله، محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دارالحدیث.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار المعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دارمجتبی الحسین.

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

فهرست مقالات و پایان نامه‌ها:

بهرامی، محمد (۱۳۸۰ش)، روش شناسی تفسیر الکاشف، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۷.

بی‌نام (۱۳۵۱ش)، «پاسخ یک سوال: معنی تفسیر به رأی»، نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام، سال سیزدهم، ش ۱۲.

حلاجیان، رامش، مهریزی، مهدی، ایازی، سید محمد علی (۱۴۰۱ش)، «نوآوری‌های علامه سید محمد حسین فضل الله در تفسیر من وحی القرآن (مطالعه موردی سوره جمعه)»، دوفصلنامه مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
خضری، سید احمد رضا و احمدوند، فاطمه (۱۳۸۶ش)، «یهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی».

خیخیلیون، سلیمان (۱۳۸۹ش)، «خلاقیت و نوآوری»، مجله اندیشه صادق، شماره ۸ و ۹.

شفیعی، علی (۱۳۸۶ش)، «برخی از نوآوری‌های ابن‌عاشور در تفسیر التحریر و التنویر»، به راهنمایی سیدرضا مؤدب.

غنایمی، سعد (۱۳۸۷ش)، «نوآوری‌های علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، نشریه کوثر معارف، شماره ۷، پاییز. محمدنام، سجاد (۱۳۹۶ش)، «شاخصه‌های طبقه‌بندی روش‌های تفسیری»، جعفر نگونام و سید رضا مؤدب.

محمدی، ناهید (۱۳۸۷ش)، «خلاقیت در مدیریت»، مجله کار و جامعه، شماره ۱۰۳، صفحات ۲۸-۳۵.

نصیری، علی (۱۳۷۷ش)، «تفسیر به رأی»، نشریه علوم و معارف قرآنی، شماره ۶-۷.